**( 266 )**

**هو الله**

ای یاران رحمانی عبدالبهآء هر چند شبانگاهست ولی صبحگاهی ملکوت الهی است یعنی انوار ساطعست و وجوه لامع فیض قدیم جمال ابهی ندیم هر قلب سلیم است و تجلی مجلی طور همدم هر ثابت مستقیم ندای جانفزای جمال قدم از جهان غیب گوشزد هر پاک حبیب است و بشارات و اشاراتش بخشش فیض لاریب صیت عظمتش شهره آفاق است و صوت مرغان چمنستان حقیقتش روح بخش اهل اشراق پس باید کل نعره برافرازیم و ولوله در این جهان فانی بقوه الهی اندازیم تا حیات جاودانی در این جهان فانی رخ بگشاید و موهبت آسمانی تجلی بنماید و فیض ابدی جنت ابهی جهانرا بیاراید خمودت تا چند و خاموشی تا کی شعله نورانیهء نار موقده الهی در قطب آفاق بلند است و شمع روشن هدی شاهد انجمن اگر از حرارت این شعله الهیه نیفروزیم بچه آتش جانسوزی افروخته گردیم اگر از این صهبای خمخانه الهی سرمست نگردیم از چه باده پر نشئه‌ئی قدح بدست گیریم و اگر در محفل تجلی بادهء خلر روحانی در ساغر رحمانی نیندازیم در چه بزمی پر جوش و خروش گردیم ای یاران الهی بانگ بانگ جمال ابهاست از ملکوت غیب و آهنگ آهنگ ملأ اعلی در وجد و طرب آئید و در جذب و وله که عبدالبهآء اسیر زنجیر سجن یوسفی شده تا در بازار بندگی رخ برافروزد و در مصر عبودیت تاج بلا بر سر نهد و طوق موهبت کبری در گردن اندازد ها بشری ها بشری ها اهل طرب بشری و علیکم التحیة و الثنآء (ع ع)